

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (1)

ای جامه بر خود بپچیده. (1)

قُمْ فَأَنْذِرْ (2)

برخیز پس بیم ده. (2)

وَ رَبَّكَ فَكَبِّرْ (3)

و پروردگار خود را پس به بزرگی یاد کن. (3)

وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (4)

و جامه های خود را پس پاک ساز. (4)

وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ (5)

و پلیدی را پس دوری کن. (5)

وَ لَا تَمُنْ تُسْتَكْبِرُ (6)

و نکن آرزو بسیار زیاد. (6)

وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (7)

و برای پروردگار خود پس شکیبائی کن. (7)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (8)

پس وقتیکه دمیده شد در شیپور (صور). (8)

فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ (9)

پس این آن روز، روزی دشواری باشد. (9)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (10)

بر نامعتقدان غیر آسان. (10)

ذُرِّي وَمَنْ خَلَفْتُ وَحِيدًا (11)

بگذار مرا و کسی را که آفریدم تنها. (11)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا (12)

و ساختم برای او دارائی فراوان. (12)

و بَنِينَ شُهُودًا (13)

و فرزندان گواهان. (13)

و مَهْدُتٌ لَهُ تَمْهِيدًا (14)

و آماده ساختم برای او آسوده گی. (14)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (15)

باز آرزو می کند آنکه بیفزایم. (15)

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عِبَادَتِي وَسِعَ كُفْرُهُ أَنَّ يُسْأَلَ عَذَابًا مُّهِينًا (16)

نه، هرگز؛ هر آینه او بود برای آیت های ما مخالفی. (16)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (17)

خواهم وادار ساخت او را بالا رفتنی (به مشکلات غیر قابل تحمل). (17)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ (18)

هر آینه او اندیشید و اندازه کرد. (18)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (19)

پس کشته شد او (لعنت بر او) چگونه اندازه کرد؟ (19)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (20)

باز کشته شد او (لعنت بر او) چگونه اندازه کرد؟ (20)

ثُمَّ نَظَرَ (21)

باز نگریست. (21)

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (22)

باز چهره در هم کشید و ابرو ها را با همدیگر نزدیک کشید. (22)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (23)

باز پشت گرداند و تکبر کرد. (23)

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (24)

پس گفت: نیست این مگر جادویی است که نقل کرده می شود. (24)

إِنَّ هَذَا إِلا قَوْلُ الْبَشَرِ (25)

نیست این مگر سخن انسان. (25)

سَأْصَلِيهِ سَقَرَ (26)

به زودی در می آورم او را در سقر. (26)

وَ مَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرُ (27)

و چه دانستی تو که چیست سقر؟ (27)

لَا تُبْقِي وَ لَا تَذَرُ (28)

نمی گذارد باقی و نه ترک می دهد. (28)

لَوْاحَةٌ لِلْبَشَرِ (29)

سوزاننده پوست برای بشر. (29)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (30)

بر آن نوزده. (30)

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلا مَلَأَ نِكَمَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمُ إِلا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ

أَوْثُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أَوْثُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۗ وَ لِيَقُولَ
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۚ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي
مَن يَشَاءُ ۗ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۗ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (31)

و نساختم ما نگهبانان دوزخ را مگر فرشته گان و نساختم ما شمار ایشان را مگر آزمایشی
برای آنانکه نامعتقد شدند تا یقین کنند آنانکه داده شدند کتاب را و زیاده شود آنان را که
ایمان آوردند ایمان، و نکنند شک آنانکه داده شدند کتاب را و ایمان آورنده گان، و تا بگوید
آنانکه در دل های شان بیماری است و نامعتقدان: چه چیز اراده کرد خدا به این مثال؟
همچنین می سازد گمراه خدا کسی را که می خواهد و می کند رهنمائی کسی را که می
خواهد. و نمی داند لشکر های پروردگار ترا مگر او (خدا). و نیست این مگر پندی برای
انسان. (31)

كَلَّا وَ الْقَمَرِ (32)

نه، هرگز قسم به مهتاب. (32)

وَ اللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (33)

قسم به شب چون پشت گردانید. (33)

وَ الصُّبْحِ إِذْ أَسْفَرَ (34)

قسم به صبح وقتیکه روشن شد. (34)

إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ (35)

هرآئینه آن (دوزخ) البته یکی از چیز های بزرگ است. (35)

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (36)

بیم دهنده برای انسان. (36)

لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (37)

برای کسی که خواهد از شما آنکه پیش رود یا پس ماند. (37)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (38)

هر نفس به آنچه به دست آورد ضامنی است. (38)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (39)

مگر یاران دست راست. (39)

فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ (40)

در بهشت ها، از یکدیگر می پرسند. (40)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (41)

از گنهگاران. (41)

مَا سَأَلَكُمْ فِي سَفَرٍ (42)

چه در آورد شما را در سفر؟ (42)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصَلِينَ (43)

گفتند: نبودیم ما از نماز گذاران. (43)

وَأَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ (44)

و نبودیم غذا دهنده گان بینوایان را. (44)

وَ كُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (45)

و بودیم بیهوده گوئی می کردیم همراه بیهوده گویان. (45)

وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (46)

و بودیم به دروغ نسبت می کردیم به روز جزاء (قیامت). (46)

حَتَّىٰ - أَتَيْنَا الْيَقِينُ (47)

تا اینکه آمد ما را مرگ. (47)

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (48)

پس نمی دهد نفع ایشان را شفاعت، شفاعت کننده گان. (48)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ (49)

پس چیست برای شان از یاد آوری کردن رو گردان شده گان؟ (49)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ (50)

مانند آنکه ایشانند دراز گوشان گریزنده. (50)

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (51)

گریخته از شیری. (51)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً (52)

بلکه می خواهد هر مردی از ایشان اینکه داده شود نامه های پهن شده. (52)

كَلَّا صَبَىٰ بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (53)

نه، هرگز؛ بلکه نمی ترسند آخرت را. (53)

كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (54)

نه، هرگز؛ هر آینه قرآن پند است. (54)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (55)

پس کسی که خواست یاد کرد آن را. (55)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (56)

و نمی کنند یاد مگر آنکه بخواهد خدا. او است سزاوار پرهیز کردن (از خشم او) و سزاوار

آمرزیدن (آنکه بیامرزد). (56)